

چرا طرح اصلاح قانون گزینش به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع شد؟

فائزه حسینی

طرح لغو "قانون گزینش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری آن مصوب ۷۵/۲/۵" در کمیسیون اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از سوی کمیسیون رد شد. در گزارش شور اول به تاریخ ۲۹ فروردین ماه ۱۳۸۰، مقوله گزینش از نیازهای هر حکومتی برشمرده شده و لغو گزینش به طور مطلق را مدنظر نمی داند. لذا در کمیسیون نیز کلیات آن به تصویب نرسیده و رد شده است. اعضای کمیسیون بر این امر معترف بودند که در اجرای گزینش های حاکمیت سلیقه ها و دیدگاه های جناحی و دستگاهی موجب بروز اشکالاتی شده است و باید ایرادات مرتفع گردد.

با توجه به اصول دوم و سوم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است برای تأمین حقوق فردی و جمعی همه شهروندان و تأمین کرامت انسانی از طریق ایجاد فرصت های مناسب برای آنان و مشارکت دادن عامه مردم در عرصه های مختلف، زمینه های مناسب را فراهم کند. همچنین اصل ۲۸ دولت را موظف کرده که امکان اشتغال و شرایط مساوی برای احراز مشاغل را برای افراد فراهم بکند. به گفته کولایی، عضو کمیسیون امنیت ملی، اعمال گزینش یک امر عقلانی بوده و برای انتخاب بهترین ها و کارآمدترین ها در ایجاد یک دستگاه کارآمد اجرایی ضرورت دارد. با مسائلی که در آغاز دهه ۶۰ پیش آمد و به منظور جلوگیری از حضور نیروهای ضدانقلاب در دستگاه های اجرایی، ضرورت شکل گیری هیئت را برای رسیدگی به این مسئله و اعمال این شیوه ها مطرح ساخت که یک ضرورت مقطعی و در شرایط خاص زمانی بوده است. کولایی با اشاره به اعمال نادرست این سیاست که در عمل موجب گسترش نفاق و ریا در کشور شد، ادامه می دهد: "اقدامات نسنجیده، سطحی نگرانه و روش های نادرستی که برای شناخت متقاضین ورود به دستگاه های دولتی مورد توجه قرار گرفته و اعمال شده، ورود به مسائل خصوصی زندگی افراد و سوق دادن افراد به ارائه چهره های ساختگی از خودشان و اعمال تبعیض در خصوص شهروندانی که حضور آنها برای بهره مند شدن از توانایی ها لازم است، مسائلی که بایستی مورد بازنگری قرار بگیرد."

گزینش با تجسس در زندگی خصوصی افراد میسر نمی شود

کولایی خواهان لغو قانون گزینش بوده تا در شور دوم، اصلاح قانونی در این مورد صورت گیرد. وی می گوید: "بر اساس قانون کنونی، طبق تعالیم اسلامی، حق تجسس در زندگی خصوصی افراد را صدر کرده ایم و به دنبال آن ریا را دامن زده ایم. بنابراین برای جوانان جویای کار، شیوه هایی که در گزینش ها اعمال می شود، عمدتاً مانع شکوفایی توانایی ها و استعداد های افراد است."

ابوالفضل شکوری نماینده زنجان، گزینش را امری بدیهی می داند که در دموکرات ترین کشورهای دنیا هم وجود دارد و ربطی به شرع و نظام سیاسی خاص ایران ندارد. وی به عنوان موافق اصلح قانون گزینش می گوید: "عقل، شرع و قانون، حتی در برخی موارد، تجسس در امور خصوصی مردم را اجازه می دهد. مثلاً شما می خواهید دخترتان را به ازدواج شخصی در بیاورید، اگر تحقیق نکنید نمی توانید اعتماد کنید. یا می خواهید با کسی معامله اقتصادی کنید، می روید و درباره ویژگی های اخلاقی این فرد تحقیق می کنید. تجسس در زندگی خصوصی افراد برای افراد دیگر یا نظام، به طور مطلق تحریم نشده است. در مواردی که سوء نیت هست و منظور از مسائل خصوصی، مسائل خانوادگی و محرمانه افراد است، بله، باید در اصلاح قانون گزینش منع شود. تاریخچه گزینش به ابتدای انقلاب برمی گردد. آنجا که نهادهای گزینش تشکیل شده بود و تخلفاتی در این زمینه به وجود آمده بود."

امام خمینی در پیام ۱۵/۱۰/۶۱ به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و حقوقی آن زمان نوشتند: "اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه در این کتاب ها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام، این دین انسان ساز الهی، برای گزینش عمومی مطرح شده و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده اند." امام آن نوشته ها را "مستتهجن و اسف بار" تشخیص داد و دستور جمع آوری آنها را دادند. در بخش دیگری از پیام امام آمده است: "تمام هیئت هایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده اند منحل اعلام می نمایم، چه در قوای مسلح یا وزارتخانه و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه ها، تمام آنها منحل است." و در ادامه توصیه می کنند "هیئت هایی به جای هیئت های منحل از افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز تعیین شود تا این افراد تنگ نظر و تندخو و مسامحه کار و سهل انگار نباشند."

همچنین امام(ره) گفته بودند: "میزان در گزینش، حال فعلی افراد است..." و تأکید نمودند: "این نحوه سؤالات به هیچ وجه معیار در گزینش افراد نیست... تجسس از احوال شخصی در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به این که چند معصیت نموده‌اید، چنانچه به بعضی گزارش‌ها، این نحو سؤالات می‌شود، مخالف اسلام و تجسس‌کننده معصیت‌کار است."

احمد شیرزاد در مورد اشکالاتی که تسری قانون ایجاد کرده است می‌گوید: "قانون گزینش معلمان در سال ۷۴ به تصویب مجلس رسیده است و تسری آن در سال ۷۵ بوده که ایراداتی دارد. این قانون بر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی، سازمان صنایع ملی ایران، جمعیت هلال احمر، شهرداری‌ها، بانک‌ها و شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها دولتی است تسری پیدا می‌کند و دارای ضوابطی است؛ از جمله التزام عملی به احکام اسلام. به گفته شیرزاد "آیا این غیر از تجسس در حال افراد است؟ ما چه نیازی داریم که این حد نارضایتی در مردم ایجاد کنیم؟" شیرزاد موافق لغو طرح گزینش و سپس اصلاح قانون گزینش است، به صورتی که فضای یأس آلودی که بر جوانان حکمفرماست و فکر می‌کنند راهی به مشاغل دولتی ندارند، برطرف گردد و می‌گوید: "ما افراد را وادار به نفاق می‌کنیم. وقتی می‌گوییم ملاک در استخدام چادر است، چه تضمینی وجود دارد خانمی که برای استخدام می‌آید، برای ظاهر سازی چادر سرش نکند؟"

شفافیت و پاسخگو بودن گزینش

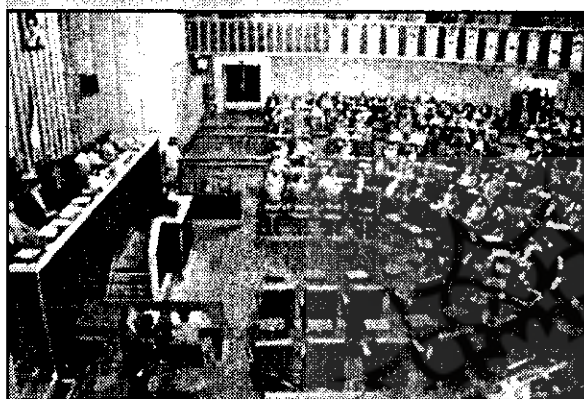
شیرزاد به تبصره دو ماده دو قانون گزینش اشاره می‌کند که اجازه داده شده افراد را درجه‌بندی بکنند و نگویند چه کسی اصلح است و چه کسی کمتر اصلح است. با چنین ضابطه‌ای، عده‌ای خود را شهروند درجه دوم یا سیاهپوستی می‌دانند که راه به جایی ندارند و این، نوعی آپارتاید در کشور است. شیرزاد معتقد است که ضوابط باید شفاف باشند؛ به گونه‌ای که نهاد گزینش بتواند پاسخگو باشد که مثلاً به این دلیل شما اولویت ندارید، مدرک شما کم است یا فاقد فلان ویژگی هستید.

موسی قربانی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی که موافق رد "طرح لغو گزینش" است، در ضرورت وجود گزینش به نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر اشاره می‌کند

که امام در مورد مأموران دولتی سخت‌گیری‌هایی داشته‌اند. همچنین وی نظام لائیک ترکیه را مثال می‌زند که در آن از پذیرش زنان باحجاب خودداری می‌شود. قربانی گزینش را برای انتخاب افراد اصلح و جلوگیری از نفوذ برخی نیروها در ادارات مفید می‌داند. بر همین اساس می‌گوید: "وقتی شما کنفرانس حمایت از فلسطین و انتفاضه تشکیل می‌دهید، قطعاً دشمن درصدد نفوذ برمی‌آید. دلیل دیگر آن است که کسی برای سمت پایینی استخدام می‌شود، ممکن است ارتقا پیدا بکند. مثلاً در دادگستری بسیاری از کارمندان جزء، در حین خدمت درس خوانده‌اند و قاضی شده‌اند." قربانی از منظر حقوقی می‌گوید: "برخی شرایط، اثباتی است و باید احراز شود. مثلاً قاضی باید عادل باشد. این‌طور نیست که بگوییم اصل بر عدالت است، بلکه باید احراز شود. بین بحث اصل برائت با بحث استخدام تفاوت وجود دارد. چون شما می‌خواهید به فردی مسئولیت بدهید، نه این که او را مجازات یا محکوم کنید."

سیدجلال موسوی، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی با استناد به آیه "ان اکرمکم عندالله اتقیکم" و اصل سوم قانون اساسی که ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان، تقوا و مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی است، می‌گوید: "حتی در اصل پنجم قانون هم -که جلوگیری از نفوذ اجانب است- اگر گزینش نباشد و افراد نفوذی وارد وزارت اطلاعات سپاه، ارتش و مراکز حساس بشوند، آیا باز هم می‌توان گفت که گزینش لازم نیست؟" (توضیح آن که: طبق قانون گزینش، استخدام در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، تابع مقررات ویژه‌استخدامی آن دستگاه‌ها می‌باشد.)

تاج‌الدین قانون گزینش سال ۱۳۷۴ را دارای سازوکار اجرایی می‌داند که طرح پیشنهادی از سوی نمایندگان دربردارنده آن سازوکار نیست؛ زیرا در قانون سال ۱۳۴۷، رئیس جمهور اختیارات وسیعی درخصوص قانون گزینش دارد، از جمله تعیین سیاست‌ها و تطبیق ضوابط مربوط برای گزینش با موازین شرعی، ایجاد، تفکیک، ادغام و انحلال هیئت‌های مرکزی گزینش، عزل و نصب کادر گزینش و ...



بهراد نبوی با توجه به اختیارات رئیس‌جمهور، خواهان لغو قانون کنونی گزینش و اصلاح آن است. وی می‌گوید: "مشکلات بیشتر به عملکردها برمی‌گردد." نبوی از جلسه‌ای خبر داد که با حضور مسئولان نهاد ریاست‌جمهوری و نمایندگان ذریبیط تشکیل شده است. لغو قانون کنونی و صحبت از پیش‌نویس بخش نامه‌ای است که در صورت موافقت رئیس‌جمهور، آن بخش‌نامه در راستای حل مشکلات و رفع کاستی‌های قانون گزینش، می‌تواند به دستگاه‌ها ابلاغ شود. اگر آن بخش‌نامه از نظر طراحان طرح کافی باشد، جایگزین طرح می‌گردد. در غیر این صورت، اصلاح قانون مطرح خواهد شد. سرانجام طرح لغو قانون گزینش معلمان مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری آن، پس از یک‌بار تشکیک رأی‌گیری با ورقه به عمل آمده که رأی نیاورد و در نتیجه پس گرفته شد.

پس از آن، کمیسیون کار، مطالعاتی تطبیقی روی شانزده کشور جهان از جمله هند، برزیل، انگلستان، امریکا، فرانسه و کانادا انجام داد. در آن کشورها، هم پیشینه افراد لحاظ می‌شود و هم امتحان گرفته می‌شود و روش‌های متمرکز و نیمه‌متمرکز گزینش اعمال می‌شود. پس از کار کارشناسی لازم، از نو طرحی از سوی کمیسیون اجتماعی ارائه گردید. در جلسه‌ی علنی ششم شهریور ۱۳۸۰، طرح یک فوریتی اصلاح مواد از قانون گزینش معلمان مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری آن مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ در دستور کار قرار گرفت. در طرح ارائه‌شده، نخست گزینش، یک‌بار در آغاز ورود داوطلب انجام می‌گیرد و دوم این که رئیس‌جمهور می‌تواند این مسئولیت را به وزیران تفویض کند که هر دستگاه و سازمانی برای بهبود کار می‌تواند خودش تشکیلی داشته باشد. همچنین سیاست‌گذاری‌های کلان به هیئت‌وزیران محول شده و به جای هیئت عالی گزینش، شورای عالی گزینش جایگزین شده است. در شورای عالی، مسئولیت اجرایی کار به عهده رئیس‌جمهور است و دو نفر از کمیسیون‌های امور اجتماعی مجلس برای حسن اجرای قانون بر این شورا نظارت دارند. در حالی که در هیئت عالی گزینش که در طرح پیشین عنوان شده بود، افرادی از هر سه قوه دخیل بودند و فرد خاصی پاسخگو نبود. بنا بر اظهارات مخبر کمیسیون اجتماعی، مدت زمان گزینش هم به طور مشخص سه ماه است، یعنی مراجع رسمی، فرصت چندانی برای وقت‌کشی ندارند و اگر بیش از دو ماه طول کشید، گزینش موظف می‌شود خود رأساً اقدام کند و در عین حال اصل گزینش به عنوان یک تشکل پذیرفته شده است.

معماری، نماینده اهر به عنوان مخالف این طرح می‌گوید: "اگر کسی بخواهد در مسائل سیاسی و اجتماعی وارد شود، به هر حال از هر دری که می‌خواهد وارد شود به سینه او می‌زنند و ردّ گزینشی می‌کنند؛ یعنی حیثیتش را زیر سؤال می‌برند. مثلاً کسی می‌خواهد نماینده شود، با استصوابیه یک ماده نمی‌شود دلیل و منطق آورد، آقایان به ما بگویند این که "التزام عملی ندارد"، آیا اینها التزام سنج دارند یا تقواسنج؟ این مسئله‌ای است که ثابت شدنی نیست و در نتیجه اسلام که برای تربیت انسان‌ها آمده، به خصوص پیغمبر که می‌خواهد انسان‌های باسرف بسازد تا احساس شخصیت کنند و به مقام متعالی "ان صلاتی و نسکی و محیای"

و ممانی لله رب العالمین" برسند. عبادت اخلاص می‌خواهد، به خاطر خدا نه برای استخدام شدن؛ زیرا که این صفت ربایی و تملقی به خود می‌گیرد...". معماری در ادامه سخنان خود به طرحی که در دور دوم مجلس برای پاکسازی ادارات از گروه‌هایی مانند حجتیه و نهضت آزادی یا جریک و غیره بود اشاره کرده و می‌گوید: "با آن طرح، حتی پیامبر هم رد بود!"

وی با اشاره‌ای به تاریخ اسلام می‌گوید: "اسلام برای جذب است نه دفع، نمونه آن افرادی هستند که پیامبر تربیت کرد. ابوذر از قبیله غفار و جندب جناده، چهارراه‌ها را می‌گرفتند و قبیله و کاروان‌ها را لخت می‌کردند. در اصل ۳۷ قانون اساسی اصل بر برائت است. فرض کنید طرف بی‌ایمان است، ممکن است بگوید تا به من رسیده توبه کرده باشد. به هر حال، حال فعلی او از من که به ظاهر آقا شیخ هستم بهتر است."

آقای علی اکبر جعفری، عضو کمیسیون اقتصادی، انتخاب فرد اصلاح و متقی را امری قرآنی می‌داند که حتی در مورد پیامبران هم اعمال شده است و در قرآن اشارات زیادی به ارزش‌یابی و انتخاب بهترین‌ها داریم. در زندگی روزمره هم بهترین را انتخاب می‌کنیم و گزینش یک امر مثبت و منطقی است. وی می‌گوید: "در مسئله گزینش، ردّ افراد مطرح نیست، بلکه بهترین‌ها را انتخاب می‌کنیم و این دلیل بر این که افراد دیگری سوء سابقه داشته‌اند یا برجسب خاصی داشته‌اند، نیست." جعفری ادامه می‌دهد: "برای مشاغل حساس و کلیدی، باید دقت داشته باشیم، افرادی انتخاب شوند که جوّ مسمومی ایجاد نکنند و ذهن جوانان ما را خراب نکنند تا خدای ناکرده جوانان ما در آینده دچار بی‌هویتی نشوند."

معاون مدیریت و منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به عنوان نماینده دولت، با کلیات طرح اصلاحی نمایندگان موافق می‌باشد؛ به این دلیل که در قانون موجود دست دولت در هر گونه تغییر در آیین‌نامه‌های اجرایی بسته است، ولی با اصلاح قانون، احراز صلاحیت به صورت کارآمدتری درمی‌آید و دستگاه‌های اجرایی می‌توانند متناسب با اقداماتی که می‌کنند پاسخگو باشند. به این ترتیب کلیات طرح فوق با اکثریت آرا تصویب شد.

در شور دوم، یکایک مواد طرح، مورد بحث موافقان و مخالفان قرار گرفت. در ماده یک طرح پیشنهادی - که از سوی شیرزاد و مزروعی مطرح شد - فقط استخدام کشوری آن هم فقط یک‌بار در آغاز ورود به دستگاه‌های دولتی مسمول گزینش شده و بخش عمده‌ای از دستگاه‌هایی که از بودجه دولت استفاده می‌کنند از مشمولیت بحث گزینش خارج می‌گردد.

طلایی نیک، در مخالفت با پیشنهاد یادشده می‌گوید: "به این ترتیب می‌خواهیم به طور مثال مقررات جداگانه‌ای در اختیار شورای صداوسیما یا دستگاه‌های دیگر قرار بدهیم که اعمال سلیقه‌ها دوباره شروع بشود و هر شرکتی و هر دستگاهی برای خودش ضابطه و مقررات جداگانه‌ای را تنظیم بکند. دوم آن که اگر بگوییم فقط یک‌بار، می‌تواند این استنباط صورت بگیرد که در طول زندگی اجتماعی اش فقط یک‌بار می‌تواند در فرایند گزینش قرار بگیرد. این درست است که مکرر نباید مسئله گزینشی صورت بگیرد، اما این عبارت یک شمشیر دولبه است."

ادب، در دفاع از طرح پیشنهادی شیرزاد و مزروعی بر این باور است که "قانون باید غیرقابل تفسیر، شفاف و منجز باشد." وی می‌گوید: "در طرح کمیسیون (که رأی نیاورد) نهادهای عمومی غیردولتی مشمول قانون گزینش می‌شوند. آیا این نمی‌تواند بهانه‌ای برای خیلی از دستگاه‌های خصوصی و کانون‌ها و انجمن‌ها باشد؟ به علاوه خود کمیسیون وزارت اطلاعات و دستگاه‌های نظامی و انتظامی را استثنا کرده‌اند. آیا وزارت اطلاعات جزو دستگاه اجرایی و دولت نیست؟ بحث زمانی آن - که یک بار است - در "زمان بررسی صلاحیت" می‌باشد، نه این که برای همیشه محروم گردد."

انصاری، معاون مدیریت سازمان مدیریت با طرح پیشنهادی از دو بُعد مخالف است: نخست این که گزینش در مورد کارمندان رسمی ذکر شده، در

حالی که کارمندان پیمانی در مرحله اول، گزینش می‌شوند و اگر در آغاز این مسئله صورت نگیرد، در زمان تبدیل به رسمی شدن، مشکلات جدی برای دستگاه‌های اجرایی درست می‌شود. دوم این که چون برخی وزارتخانه‌ها قانون استخدام خاص خود را دارند، این پیشنهاد موجب تبعیض در درون دولت می‌شود. بهتر است این قانون هم در مورد کسانی که مشمول قانون استخدام کشوری هستند و هم آنهایی که مشمول مقررات خاص هستند، اعمال گردد. پس از بحث‌های انجام شده، ماده اول پیشنهادی به تصویب رسید.

ماده دوم طرح پیشنهادی، شامل ضوابط عمومی گزینش کارکنان دولت می‌باشد که عبارت است از:

- ۱- قبولی در آزمون علمی
 - ۲- دارا بودن سلامت جسمی و روانی
 - ۳- متقاضی استخدام باید مسلمان یا پیرو یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی باشد.
 - ۴- متقاضی استخدام باید کتباً التزام عملی خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام دارد.
 - ۵- عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر
 - ۶- عدم وابستگی تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های غیرقانونی که رسماً غیرقانونی بودن آنها توسط نهادهای قانونی مسئول اعلام شده است (از طریق استعمال از وزارت اطلاعات)
 - ۷- عدم اعتیاد به مواد مخدر
- التزام به: قانون اساسی، ولایت فقیه، احکام اسلامی؟

بنا به گفته شیرزاد، ضوابط قانون قبلی، به نوعی تفسیرپذیر بود و مملکت را دچار اعمال سلیقه‌ها نموده بود. حتی الامکان باید ضوابط گزینش به گونه‌ای باشد که با متر و خط کش مشخصی بشود آن را اندازه گرفت. در طرح کمیسیون، "عامل به احکام" جزء ضوابط آورده شده بود که حوزه آن بسیار وسیع و نیازمند تحقیقاتی است که باعث نارضایتی مردم خواهد شد و به نوعی تجسس در زندگی خصوصی است.

محبوب، اخطار قانونی با توجه به اصل ۲۳ قانون اساسی را مطرح نمود که: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد." محبوب همچنین به مقابله نامۀ سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران هم به آن ملحق شده است و طبق آن، ملاک دادن شغل به افراد، عقیده نیست.



طرح کمیسیون - که به تصویب نمایندگان نرسید - در بردارنده چند نکته بود: در قانون قبلی اعتقاد به دین اسلام یا یکی از ادیان و اعتقاد به ولایت فقیه مطرح شده بود. کمیسیون در طرح خود پیشنهاد داده بود که مسئله اعتقاد قابل تحقیق و سنجش نیست، لذا کلمه التزام را جایگزین آن نموده است که آن هم با اعلام کتبی داوطلب کفایت می‌کند.

طرح کمیسیون "گروه‌های محارب" و توبه افراد گروه‌های محارب را عنوان کرده بود و معتقد بود که گروه‌های غیرقانونی ممکن است شامل گروه‌های بسیاری باشد، بنابراین ملاک کمیسیون، گروه‌های محارب بوده‌اند که اگر توبه افراد توسط مقامات صالحه - که قطعاً وزارت اطلاعات است - احراز شد، این شرط برداشته می‌شود.

کمیسیون به جای "صلاحیت اخلاقی" که در قانون موجود بود، "اشتهار به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق" را آورده است؛ زیرا صلاحیت اخلاقی قابل احراز نیست، گذشته از آن که همه شهروندان صلاحیت اخلاقی دارند، مگر

آن که خلاف آن ثابت شود.

بنابراین پیشنهادها طراحان طرح در حال بررسی در چهار مورد با اصلاحاتی که در کمیسیون انجام شده بود، تفاوت داشت و سرانجام مجلس به پیشنهادهای طراحان آن که شیرزاد و مزروعی بودند، رأی مثبت داد.

شورایی شدن و بسط اختیارات رئیس جمهور

در ماده سوم این طرح آمده است که تعیین خطمشی، سیاست و هماهنگی‌های مورد نیاز، نقض یا ابطال رأی خلاف قانون و... از وظایف و اختیارات رئیس جمهور می‌باشد. ماده چهار، رئیس جمهور را برای انجام وظایف ستادی و ماده سه موظف به تشکیل شورای عالی گزینش با ترکیب زیر می‌نماید:

۱- معاون رئیس جمهور و ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

۲- وزیر آموزش و پرورش

۳- دو نفر وزیر به انتخاب هیئت وزیران

۴- دو نفر صاحب‌نظر به انتخاب رئیس جمهور

۵- دو نفر از اعضای کمیسیون اجتماعی به عنوان ناظر به انتخاب مجلس شورای اسلامی.

سرانجام این طرح در ۹ ماده و مجموعاً ۹ تبصره به تصویب مجلس رسید و مقرر گردید ظرف مدت چهارماه آیین‌نامه اجرایی آن توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (به جای شورای عالی گزینش) تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسد.

این مصوبه از سوی شورای نگهبان به مجلس برگشت داده شد و در جلسه علنی دوم دی‌ماه ۱۳۸۰ در راستای تأمین نظر شورای نگهبان مورد بررسی مجدد قرار گرفت. ماده یک طرح، به این صورت اصلاح گردید که براساس فرمان امام در ۱۳۶۰/۱۰/۱۵ گزینش داوطلبان استخدام در تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و شرکت ملی نفت و گاز و شرکت ملی صنایع پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع، سازمان صنایع ملی ایران، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، هلال احمر، شهرداری‌ها، بانک‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای عمومی غیردولتی مشمول این قانون خواهند بود.

براساس تبصره‌ای که به این ماده افزوده شد، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، قضات، پرسنل نظامی و غیرنظامی نیروهای مسلح و کارکنان وزارت اطلاعات از شمول این قانون مستثنا بوده و تابع مقررات مربوط به خود خواهند بود.

در بند دوم ماده ۲ سلامت جسمی و روانی متناسب با نیاز شغلی ذکر شد. بند چهارم در کمیسیون به صورت دو بند درآمد و این گونه اصلاح شده است: "التزام به رعایت احکام اسلامی و اجتناب از محرمات با اعلام کتبی داوطلب، مگر آن که خلاف آن با ادله معتبر قانونی اثبات شود" و بند ۵: "التزام عملی به ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران". ظاهراً شورای نگهبان التزام عملی به قانون اساسی را که کتباً توسط داوطلب ارائه می‌شود کافی ندانسته است. مزروعی می‌گوید: "وقتی التزام

به قانون اساسی ذکر شد، التزام به ولایت فقیه در آن نهفته است" ولی این نظر وی با مخالفت قربانی مواجه می‌شود. به اعتقاد قربانی "اعلام التزام، واقعاً التزام نمی‌آورد. هیچ مشکلی بیش نمی‌آید که بگوییم التزام به قانون اساسی خصوصاً فلان مورد، خصوصاً اسلامیت نظام، خصوصاً ولایت فقیه." گرچه دولت با اصلاحیه یادشده موافق بود، ولی به تصویب رأی مجلس نرسید.

اصلاحات حداقلی در تعامل با شورای نگهبان

مخبر کمیسیون اجتماعی تأکید نمود که استدلال شورای نگهبان این بود که ذکر "قانون اساسی" به تنهایی کفایت نمی‌کند، در نتیجه کمیسیون، التزام عملی به ولایت فقیه را افزود به هر حال، هر شهروندی وقتی قانون اساسی را پذیرفت، ولایت فقیه را هم پذیرفته است. اما شیرزاد پیشنهاد جایگزینی ارائه کرد که در آن دو بند را با هم ادغام نموده بود، بدین ترتیب که "التزام به رعایت احکام اسلامی و قانون اساسی و اجتناب از محرمات با اعلام کتبی داوطلب، مگر آن که خلاف آن با ادله معتبر قانونی اثبات شود." مزروعی نیز در تأیید این پیشنهاد گفت: "اگر قرار است با شورای نگهبان کنار بیاییم، باید یک جاهایی کوتاه بیاییم. یعنی در این فضا و شرایط، باید با شورای نگهبان تعامل مثبتی داشته باشیم تا حداقلی از اصلاحات را بتوانیم انجام بدهیم."

در بند ۶ ماده دوم در رابطه با عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، عبارت "مگر آن که توبه آنها احراز شد" افزوده و به تصویب رسید.

اصلاحیه دیگر، ضوابط مربوط به کارگزاران گزینش بود که شرایط مقرر در فرمان ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ امام به آن افزوده و تصویب گردید. بر این اساس، باید "صالح، عاقل، صاحب اخلاق کریمه، فاضل و متوجه به مسائل روز باشند و تنگ نظر و تندخو، مسامحه کار و سهل انگار نباشند."

اصلاحیه دیگر، قوانین مربوط به ایثارگران و جانبازان و رزمندگان را از این قانون مستثنا کرده است که مورد تصویب مجلس قرار گرفت.

با این همه، اصلاحات نهایی کمیسیون، نظر شورای نگهبان را تأمین ننموده و این طرح مجدداً به کمیسیون بازگشت داده شد. مخبر کمیسیون در این رابطه می‌گوید: "چون شورای نگهبان بر ایرادات پافشاری کرد و کمیسیون هم دید که حق مجلس ضایع می‌شود، این اصلاحات در قانون گزینش، حق مردم است و باید مطالبات آنها حفظ شود. به هر حال، کمیسیون هم پافشاری کرده و مصوبه مجلس را مجدداً تأیید کرد.

بنابراین، کمیسیون پیشنهاد ارجاع مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت را داد. این پیشنهاد در جلسه علنی نوزدهم اسفندماه ۱۳۸۰ مطرح شد و با رأی اکثریت به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع گردید.

